گزارش خبر
NEWSREPORT
کد خبر: ۴۵۳۸۲۱
یکشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۰ ۱۱:۳۶

پاسخ هاشمی به پیشنهاد عجیب آذربایجان به ایران چه بود؟

به‌تازگی در فضای مجازی مباحثی مبنی بر پیشنهاد الحاق جمهوری آذربایجان به ایران، در زمان ریاست‌جمهوری حیدر علی‌اف، پدر رئیس‌جمهور فعلی آذربایجان، به آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، رئیس‌جمهوری وقت ایران منتشر شده است.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، محسن هاشمی در ادامه مطلب خود در روزنامه «شرق» نوشت: مراجعه به خاطرات روزنوشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نشان می‌دهد که گفت‌وگوی ایشان با آقای حیدرعلی‌اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان، مربوط به آبان سال ۱۳۷۲ یا ۱۹۹۳ و نخستین سفر ایشان به آسیای میانه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوری است.
در این سفر که مصادف با درگیری مرزی آذربایجان وارمنستان بر سر قره‌باغ است، حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور وقت آذربایجان، در دیدارهای مکرر خود با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، از ایشان تقاضای ورود ایران به جنگ به نفع آذربایجان را دارد و پیشنهاد می‌کند که ایران اداره جمهوری آذربایجان را بپذیرد. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی که به زیرکی علی‌اف در مقایسه با سایر رؤسای جمهور آسیای میانه پی برده بود، ضمن تلاش برای صلح و برقراری آتش‌بس میان آذربایجان و ارمنستان که در همین سفر نیز به موفقیت نسبی می‌رسد، پس از مشورت با مسئولان همراه، ورود ایران به جنگ را نمی‌پذیرد، ضمنا در صداقت آقای علی‌اف در سخنان و پیشنهاد خود تردید می‌کند.
با توجه به دقت و تفصیل آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در نگارش خاطرات خود، طبیعتا این بخش می‌تواند سند روشن و گویایی از جزئیات موضوع باشد و البته برای شرح بیشتر نیز توضیحات مسئولان همراه ایشان که مورد مشورت قرار گرفته‌اند، می‌تواند مفید باشد.
در این بخش به ذکر بخش‌های مرتبط با موضوع از خاطرات آبان‌ماه سال ۱۳۷۲ آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی می‌پردازم:
۴ آبان
بعد از شام خصوصی گفت که در ارسال سلاح‌های خریده‌شده از تهران تعجیل شود و نیز اسلحه‌هایی که فراریان از جنگ به ایران برده‌اند، به آذربایجان ارجاع شود؛ گفتم فورا اقدام کنند.
۵ آبان
برای مذاکرات خصوصی به مقر ریاست‌جمهوری رفتیم. ساختمان مجللی است. دکتر ولایتی و آقای حسن‌اف هم بودند و سفیرمان مترجم بود. به محض نشستن، تلفن زنگ زد و صحبت کرد و معلوم شد که مربوط به جنگ است؛ آقای علی‌اف گفت خبر می‌دهند ارس طرف منطقه زنگلان، زیر آتش انبوه ارامنه است و مردم برای فرار به ایران از رود ارس عبور می‌کنند و تلفات می‌دهند. عاجزانه استمداد کرد.
احتمال می‌دادیم که مقداری هم جوسازی و مقدمه‌چینی برای مطلب اصلی مذاکرات خصوصی است ولی خالی از حقیقت هم نیست. نقشه آوردند و توضیح دادند. معلوم شد که اگر زنگلان سقوط کند، از مرز ارمنستان تا نزدیک پارس‌آباد، ارامنه به مرز ما در شمال ارس می‌چسبند.
پیشنهاد مشخص با اصرار این است که ما در جنگ به نفع آنها شرکت کنیم. صریحا می‌گویند ما همه آذربایجان را در اختیار شما می‌گذاریم و آماده‌ایم جمهوری اسلامی در آذربایجان تشکیل شود و بدون کمک ایران، نمی‌توانیم دفاع کنیم و امکان پیشرفت ارامنه تا باکو هم وجود دارد.
نقشه ارمنستان بزرگ را که گویا ارامنه در سال ۱۹۸۰ منتشر کرده‌اند، نشان دادند که در آنجا از دریای سیاه تا دریای خزر و از جنوب تا ارومیه و از غرب، خاک ترکیه تا سوریه را شامل شده است. گفتم این تصمیم بسیار بزرگی است که آثار فراوان منطقه‌ای و جهانی دارد و باید عواقب آن در هر جهت بررسی شود و باید در تهران بررسی کنیم و جواب بدهیم ولی کار فوری این است که تلاش کنیم فعلا آتش‌بس برقرار شود و شما باید مقاومت کنید که زنگلان از دست نرود ...
برای این منظور، دکتر ولایتی در همان جلسه با معاون وزیر امور خارجه ارمنستان تماس گرفت و پیام مرا برای رئیس‌جمهور ارمنستان منتقل کرد که گفتم در تلفن قبلی‌مان قرار شد ارامنه از حدود فعلی دیگر پیشرفت نکنند و عملیات چند روز اخیر، نقض آن قرار است و با لحنی آرام، نوعی تهدید نمودیم. اجازه خواست که رئیس‌جمهور ارمنستان با شخص من تلفنی صحبت کند؛ موافقت کردم.
آقایان روحانی، ولایتی و واعظی آمدند.
در رابطه با موضعمان در خصوص جنگ قره‌باغ مذاکره کردیم. باز هم جلسه خصوصی با علی‌اف درباره حمایت از آنها در جنگ با ارامنه داشتیم و نهایتا جمع‌بندی به این صورت شد که برای تحقق آتش‌بس و حفظ زنگلان و عقب‌نشینی، تلاش سیاسی کنیم و راه‌هایمان را برای کمک به محاصره‌شدگان زنگلان باز بگذاریم و مانوری در مرز داشته باشیم تا نظامیان ما درباره کیفیت دفاع، مذاکره کنند و پیشنهاد اتحاد دفاعی را در تهران بررسی کنیم و سپس جواب دهیم. خبر دادند که از شدت گلوله‌باران کاسته شده است.
با این خبر به جلسه ضیافت شام رفتیم. سالن بسیار وسیعی دارند و صدها مهمان دعوت کرده بودند. چند قطعه موسیقی اجرا کردند. بعد از شام مسئله آتش‌بس را پیگیری کردیم؛ معلوم شد اجرا شده است.
۷ آبان
تقریبا همه‌جا در حرکت‌ها و بازدیدها، رئیس‌جمهور همراه من بود و فرصت زیادی داشتیم که در مسیرها، در اتومبیل صحبت کنیم و سفیرمان هم مترجم خوب و مطمئنی بود و همیشه همراهمان. از نکات جالب همین است که اعتمادشان به سفیر ما در این حد بالا بود که آن مسائل محرمانه را مطرح کردیم. یکی از حرف‌های مهم و تکراری‌اش این بود که ایران از این فرصت جنگ با ارامنه استفاده کند و حضور خودش را در آذربایجان بالا ببرد و گاهی تعبیر می‌کرد که اینجا از آنِ ایران بوده و حالا هم بیایید دفاع کنید و اداره کنید. در نخجوان هم که بود، شبیه این حرف‌ها را می‌زد و تحلیل می‌کرد که اگر شما آذربایجان را تحت قدرت خود بگیرید، حاکمیت روسیه در کل قفقاز متزلزل می‌شود. گاهی می‌گفت ایران و آذربایجان، با هم می‌توانیم روسیه را تا روی سنگ مرز اصلی‌اش عقب برانیم؛ چون داغستان و تاتارستان و چچن اینگوش و اوستیا، همه از حاکمیت روس‌ها ناراضی‌اند؛ البته چون به‌خاطر استیصال در جنگ و حمایت روسیه از ارامنه به این مواضع افتاده‌اند، نمی‌توانیم اطمینان کنیم، به‌خصوص که براساس اظهارات آقای نیازُف، اینها در مشترک‌المنافع و بحث [رژیم حقوقی] دریای خزر با خواسته‌های روس‌ها هماهنگ هستند.
۸ آبان

بعد از نماز مغرب، شورای عالی امنیت ملی جلسه داشت. درباره درخواست کمک نظامی از سوی جمهوری آذربایجان مذاکره شد. در مورد کمک‌های آموزشی، تسلیحاتی و سیاسی موافقت شد اما درمورد همکاری عملی در دفاع مخالفت شد.

۹ آبان

شب با آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشتیم. بیشتر درباره سفر من به آسیای میانه و آذربایجان و تربیت بدنی و ... مذاکره داشتیم.

بررسی این خاطرات نشان می‌دهد که:

اولا پیشنهاد آقای حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، مبنی بر اداره این کشور توسط ایران، اقدامی سیاسی و در جهت درگیرکردن ایران در جنگ با ارمنستان بوده است که با رویکرد جمهوری اسلامی در سیاست خارجی مبنی بر احترام به مرزهای بین‌المللی و مخالفت با کشورگشایی مغایرت داشته است.

ثانیا در صداقت آقای علی‌اف در این پیشنهاد تردید جدی وجود داشته است، به‌ویژه آنکه آذربایجان در سایر موضوعات نظیر تقسیم دریای خزر هماهنگ با روسیه و علیه ایران عمل می‌کرده است.

ثالثا حتی در صورت جدی‌بودن پیشنهاد نیز با توجه به شرایط بین‌المللی و نفوذ قدرت‌هایی نظیر روسیه، ترکیه و آمریکا، حضور مستقیم جمهوری اسلامی در جمهوری آذربایجان بسیار مشکل و پرهزینه برآورد می‌شد.

بر این اساس آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی ضمن مشورت با مسئولان همراه، سیاست اصولی پرهیز از دخالت در جنگ را به آذربایجان اعلام می‌کند و ضمن برقراری آتش‌بس، پس از بازگشت به تهران، مباحث در شورای امنیت ملی طرح و تصمیم بر عدم دخالت عملی ایران در جنگ تأیید می‌شود و یک روز بعد نیز در مذاکره آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با رهبر انقلاب، موضوع به استحضار ایشان رسانده می‌شود.

در مجموع نظریه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در اداره کشور را می‌توان دکترین صلح و توسعه نامید و هرچه زمان می‌گذرد، صحت و کارآمدی این نظریه در جهت تأمین منافع ملی و رفاه مردم بیشتر آشکار می‌شود.